

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۶، شماره ۱، پیاپی ۸ (بهار و تابستان ۱۴۰۰) شماره صفحات: ۱ - ۳۱

بررسی زبان‌شناختی گونه‌گردلی از گونه‌های زبان کردی

طاهره افشار^{۱*}، آمنه امینی‌پور^۲

۱. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

چکیده

زبان‌شناسی مطالعه علمی زبان است و توصیف زبان‌ها و شرح دانش ناخودآگاه اهل زبان از اهداف آن است. همه زبان‌های بشر از نظر ماهیت، شبیه به هم هستند و به دلیل نحوه پراکندگی سخنگویان و تحول تاریخی هر یک از آن‌ها، هر کدام دارای تنوع گویشی و لهجه‌ای گوناگونی می‌باشند. هر زبانی دارای سه زیرساخت واج‌شناسی، صرف و نحو مخصوص به خود می‌باشد. در این پژوهش از اصطلاح زبان‌شناختی «گونه» که اصطلاحی خنثی است، برای اطلاق به گونه زبانی «گردلی» استفاده می‌شود. گونه گردلی جزو خانواده زبان کردی است که از شاخه زبان‌های ایرانی شمال‌غربی به شمار می‌رود. داده‌های این پژوهش با هدف توصیف واج‌شناختی نظام واجی، توصیف صرفی نظام واژگانی و توصیف نحوی نظام دستوری گونه گردلی از گویشوران گردلی ساکن شهر دهلران از توابع استان ایلام گردآوری شده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی ارائه می‌شود و روش تحقیق نیز به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. تحقیق میدانی به صورت مصاحبه رو در رو و پرسش و پاسخ با ۱۲ نفر انجام شده است. داده‌ها با الفبای آوانگار IPA 2020 آوانگاری شده‌اند و تحلیل صرفی و نحوی پژوهش بر اساس کتاب دستور زبان فارسی ۱ نوشته احمدی گیوی و انوری (۱۳۹۰) صورت می‌گیرد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که گونه گردلی دارای ۹ واکه و ۲۸ همخوان است و انواع فعل به جز فعل‌های دووجهی و فعل‌های غیر شخصی و انواع اسم، صفت، ضمیر، قید، شبه‌جمله و نقش‌نما و انواع جمله‌های خبری، پرسشی، عاطفی، امری، ساده و مرکب نیز در این گونه زبانی یافت می‌شوند.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴ بهمن‌ماه ۹۹
پذیرش: ۵ خردادماه ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی:

واج‌شناسی
صرف
نحو
ساختار هجایی
فرایندهای واجی

۱. مقدمه

ساپیر^۱ (۱۳۷۶) معتقد است که سخن گفتن از جمله فعالیت‌هایی است که هیچ محدودیتی بر دامنه تنوعش وجود ندارد و در گذر از یک گروه اجتماعی به گروهی دیگر، این تنوع نامحدود در سخن گفتن آدمی کاملاً آشکار است. او (۱۳۷۶) زبان را وسیله‌ای صرفاً انسانی و غیرغریزی برای ایجاد ارتباط به منظور انتقال افکار، عواطف و آرزوها می‌داند که از دستگامی متشکل از نشانه‌هایی عبور می‌کند که به طور ارادی تولید می‌شوند. فالک^۲ (۱۳۷۱) زبان‌شناسی را مطالعه علمی زبان تعریف می‌کند و هدف آن را توصیف زبان‌ها و تشریح دانش ناخودآگاه اهل زبان در مورد زبان‌شان می‌داند. بنابراین می‌توان گفت که تمام زبان‌ها دارای تنوعات گوناگون گویشی و لهجه‌ای هستند که به دلیل نحوه پراکندگی سخنگویان آن‌ها و تحول زبان‌ها در طول تاریخ، شکل گرفته‌اند. زبان کُردی یکی از این زبان‌ها است.

هادسون^۳ (۲۰۰۰) باور دارد که زبان، دارای سه زیرساخت واج‌شناسی^۴، صرف^۵ و نحوه^۶ است. واج‌شناسی با صداهای صورت‌های زبان ارتباط دارد. «صورت واجی، از آواها^۷ تشکیل می‌شود و آواها از واحدهای کوچک‌تری به نام مشخصه‌های واجی^۸ تشکیل شده‌اند» (هادسون، ۲۰۰۰: ۷). امکان ترکیب یا باهم‌آیی مشخصه‌های واجی در تکواژها بوسیله قواعد واجی بیان می‌شود. صرف، به طبقه‌های تکواژها، باهم‌آیی آن‌ها در جمله‌ها و ترکیب آن‌ها به صورت واژه‌ها مربوط می‌شود. قواعد واژی، امکان ترکیب تکواژها به صورت واژه را بیان می‌کنند. نحو، به ترکیب واژه‌ها در پاره‌گفتار و ترکیب پاره‌گفتارها در جمله مربوط می‌شود. همه زبان‌ها واژگانی دارند که به صورت پاره‌گفتارها و جمله‌ها باهم ترکیب می‌شوند. امکانات این ترکیب‌ها بسیار محدود است، بنابراین همه زبان‌ها، نحو یا ساخت جمله دارند. قواعد نحوی نیز ترکیب احتمالی واژگان را در پاره‌گفتارها و انواع متداول جمله، از قبیل جمله مثبت و منفی، اظهاری، امری و پرسشی مشخص می‌کنند.

^۱ E. Sapir

^۲ J. S. Falk

^۳ G. Hudson

^۴ phonology

^۵ morphology

^۶ syntax

^۷ phone

^۸ phonological properties

یول^۱ (۱۹۸۵) معتقد است که ترتیب مجاز صداها در یک زبان، که بخشی از دانش واجی هر گوینده است، محدودیت‌های واج‌آرایی^۲ نامیده می‌شوند و روی واحدی بزرگ‌تر از واج عمل می‌کنند که هجا^۳ نام دارد. هجا باید شامل یک واکه^۴ یا صدای شبه‌واکه (مانند واکه دوگانه^۵) باشد. عناصر اصلی هجا، آغازه^۶ (یک یا چند همخوان^۷) و دنباله^۸ می‌باشند. دنباله شامل یک واکه است که هسته^۹ نامیده می‌شود و همخوان یا همخوان‌هایی که به دنبال آن بیایند، پایانه^{۱۰} نام دارند. هجای بدون پایانه را هجای باز^{۱۱}، و هجای دارای پایانه را هجای بسته^{۱۲} می‌نامند.

حق‌شناس (۱۳۵۶) معتقد است که واحدهای آوایی بر اثر همنشینی در ترکیب، دستخوش تغییراتی می‌شوند و به این تغییرات، فرایندهای آوایی گفته می‌شود. از نظر او، فرایندهای عمده آوایی عبارتند از: الف) همگونی همخوان‌ها: گاهی یک همخوان در همنشینی با همخوانی دیگر، پاره‌ای از ویژگی‌های آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن‌ها ویژگی‌های آوایی همخوان مجاور را می‌پذیرد. ب) همگونی واکه با همخوان: گاهی یک واکه در همنشینی با همخوان‌های مجاور، پاره‌ای از ویژگی‌های آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن‌ها ویژگی‌های آوایی همخوان مجاور خود را می‌پذیرد. ج) ناهمگونی همخوان‌ها: فرایند ناهمگونی عکس فرایند همگونی است و در آن یک همخوان که در یک یا چند ویژگی آوایی با همخوان همنشین خود مشترک است، این ویژگی‌های مشترک را از دست می‌دهد و ویژگی‌های آوایی دیگری را می‌پذیرد. د) هماهنگی واکه‌ای: فرایند هماهنگی واکه‌ای بدین معنی است که یک واکه، تحت تأثیر واکه دیگری که در هجای مجاور قرار دارد، برخی ویژگی‌های آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن‌ها، یا

^۱ G. Yule

^۲ phonotactic constraints

^۳ syllable

^۴ vowel

^۵ diphthong

^۶ onset

^۷ consonant

^۸ rhyme

^۹ nucleus

^{۱۰} coda

^{۱۱} open syllable

^{۱۲} closed syllable

ویژگی‌های واکه مجاور را به خود می‌گیرد و یا ویژگی‌هایی نزدیک به آن‌چه در هجای مجاور وجود دارد را می‌پذیرد. ه) قلب: گاهی بر اثر همنشینی دو همخوان در یک ترکیب، همخوان‌ها جای خود را باهم عوض می‌کنند به طوری که همخوان نخستین در جایگاه همخوان دوم قرار می‌گیرد و همخوان دومین به جای همخوان نخست می‌نشیند. و) حذف: گاهی یک واحد زنجیری تحت شرایط خاصی از زنجیره گفتار حذف می‌شود. ز) اضافه یا درج: گاهی تحت شرایطی یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه می‌شود. ح) ابدال: گاهی در زنجیره گفتار یک واحد زنجیری به واحد زنجیری دیگری تبدیل می‌شود، بدون آن‌که بتوان برای آن در چارچوب فرایندهای همگونی، ناهمگونی و یا فرایندهای دیگر توجیهی یافت. در این پژوهش، فرایندهای آوایی موجود در گونه کُردلی به طور اجمالی بررسی می‌شوند.

دیرمقدم (۱۳۸۷) بر اساس آرا و نظرات زبان‌شناسان بین‌المللی، نظریه عمومی زبان را مطرح می‌کند که بر اساس آن: ۱) «گونه» اصطلاحی خنثی است و می‌توان آن را به عنوان اطلاقی کلی به کار برد. ۲) دو گونه زبانی که سخنگویان آن‌ها فهم متقابل ندارند «زبان» هستند. ۳) دو گونه زبانی که سخنگویان آن‌ها فهم متقابل دارند اما از نظر آوایی، واجی، واژگانی و یا دستوری اختلاف دارند «گوش» هستند. ۴) دو گونه زبانی که سخنگویان آن‌ها فهم متقابل دارند و فقط از نظر آوایی و یا واجی متفاوتند «لهجه» هستند. بر این اساس، در این پژوهش از اصطلاح «گونه» برای اطلاق به گونه زبانی کُردلی استفاده می‌شود، زیرا بررسی گوش یا لهجه بودن گونه کُردلی از اهداف این پژوهش نیست. اُرانسکی^۱ (۱۳۵۸) معتقد است که زبان کردی یکی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است که خود دارای گوش‌ها و لهجه‌های متعدد بسیاری نیز می‌باشد. آنونبی^۲ و همکاران (۲۰۱۹) گونه کُردلی را در کنار کردی شمالی، کردی مرکزی، کردی جنوبی و لکی، زیرمجموعه زبان کردی از مجموعه زبان‌های ایرانی غربی دانسته است. دو مرکز عمده سخنگویان گونه کُردلی شهرستان‌های دهلران و آبدانان از توابع استان ایلام هستند. البته سخنگویان این گونه زبانی به صورت پراکنده در دیگر شهرهای ایران و شهرهایی از کشور عراق نیز زندگی می‌کنند. هدف از انجام این پژوهش، بررسی و معرفی گونه زبانی کُردلی با رویکرد

^۱ M. Oranski

^۲ E. Anonby

زبان شناختی است. پرسش‌هایی که این پژوهش در پی پاسخگویی به آن‌ها است عبارتند از: نظام واجی گونه کُردلی چگونه است، نظام صرفی گونه کُردلی چگونه است و ساختار نحوی گونه کُردلی چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

تا به حال چند پژوهش درباره گونه کُردی شهرستان آبدانان و دهلران انجام گرفته‌اند که هیچ‌کدام از آن‌ها، از آن با عنوان «کُردلی» یاد نکرده‌اند. از آنجایی که گویشوران کردزبان دو شهرستان دهلران و آبدانان به یک گونه زبانی سخن می‌گویند که با مناطق کردزبان دیگر استان ایلام متفاوت است، باید نامی خاص به این گونه زبانی اطلاق شود که در میان خود گویشوران نیز آشنا باشد. گویشوران کردزبان این دو شهرستان خود را کُرد یا کُردلی می‌خوانند.

بساطی (۱۳۸۹) به بررسی کُردی آبدانانی که یکی از گونه‌های جنوبی زبان کُردی امروز است، می‌پردازد و هدف خود را بررسی فرایند اشتقاقی ساخت واژگانی گونه کُردی آبدانانی در چارچوب زبان‌شناسی ساختگرای آمریکایی با تحلیل صوری و نظام‌مند و بررسی عناصر بنیادین و اصول ترکیبی حاکم بر ساخت واژگان اشتقاقی با تکیه بر رویکرد همزمانی ساختواژه ترکیبی معرفی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که در گونه کُردی آبدانانی واژه‌های اشتقاقی از راه افزایش وندهای اشتقاقی ساخته می‌شوند و اشتقاق پسوندی بیش‌تر از اشتقاق پیشوندی کاربرد دارد.

بازیار (۱۳۹۲) گویش‌های ۴۰ روستا از مجموع ۷۶۷ روستای استان ایلام را بررسی می‌کند. پرسش‌نامه او متشکل از ۱۴۹ واژه و ۴۳ جمله است. او در گردآوری گونه‌های مورد بررسی از روش نمونه‌گیری استفاده کرده است و روش گردآوری داده‌ها را توصیفی از نوع پیمایشی معرفی می‌کند. در این پژوهش از هر شهرستان استان ایلام پنج روستا و از هر روستا یک گویشور انتخاب و از روش نمونه‌برداری سیستماتیک برای انتخاب گویشوران استفاده شده است. در گام بعد، گویش‌های عربی و لکی حذف و تنها گویشوران کردزبان و لرزبان انتخاب شده‌اند. او به این نتیجه می‌رسد که بین گونه‌های زبانی استان ایلام و فارسی معیار تفاوت‌های واکه‌ای و تقابل‌های همخوانی متنوعی وجود دارند و ساختمان هجا به صورت کلی (C) CV (C) است. بازیار پس از بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های آوایی، دستوری و واژگانی به این نتیجه می‌رسد که گونه‌های

زبانی موجود در شهرستان‌های دهلران، آبدانان و دره‌شهر با زبان فارسی معیار شباهت زبانی بیش تری دارند و گونه‌های زبانی شهرستان‌های ایلام، ایوان، شیروان چرداول، مهران و ملکشاهی با زبان فارسی معیار تفاوت آوایی و دستوری بیش‌تری دارند.

رضایی (۱۳۹۲) با بررسی گونه‌ی کردی دهلرانی در چارچوب نظریه‌ی واج‌شناسی زایشی، دریافت که این گونه دارای ۳۰ همخوان، ۱۲ واکه ساده، ۴ واکه مرکب و ساختمان هجا به صورت (C)(C)V(C)(C) است. او برای هجای CCV نمونه‌ای ارائه نداده و معتقد است که هجاهای با خوشه همخوانی آغازی در گونه‌ی کردی دهلرانی وجود ندارند و یا در حال از بین رفتن هستند. سیدی (۱۳۹۲) در راستای معرفی گونه‌ی کردی روستای فرهادآباد به بررسی نظام آوایی، صرفی و نحوی این گونه‌ی زبانی می‌پردازد. او اظهار می‌کند که روستای فرهادآباد تنها مرکز گویشوران کردزبان شهرستان دره‌شهر است و گونه‌ی کردی موجود در شهرستان دره‌شهر و شهرستان‌های آبدانان و دهلران در یک گروه گویشی قرار دارند. وی معتقد است که گونه‌ی کردی فرهادآباد دارای هشت واکه /e:/, /a/, /â/, /ə/, /e/, /o/, /u/, /i/ و ۲۸ همخوان است که از میان این همخوان‌ها تنها ۲۷ همخوان ارزش واجی دارند. این پژوهش مشخص نمی‌کند که کدام همخوان ارزش واجی ندارد و همچنین برای همخوان‌های m, y, w جفت کمینه ارائه نمی‌کند. به گفته‌ی سیدی، ساختمان هجا شامل هفت هجای CV, CVC, CVCC, CCV, CCVC می‌باشد و معتقد است که در گونه‌ی کردی فرهادآباد، فعل همواره پنج صیغه‌ای است، یعنی صورت ساختوازی دوم شخص جمع و سوم شخص جمع یکی است. سیدی درباره‌ی گونه‌های کردی موجود در استان ایلام اظهار می‌کند که گونه‌های کردی مرکزی و شمالی استان و قسمت‌هایی از جنوب شامل شهرستان‌های مهران و بدره در یک گروه گویشی و گونه‌ی کردی موجود در شهرستان دره‌شهر و شهرستان‌های جنوب غربی استان (آبدانان و دهلران) در گروه گویشی دیگری قرار می‌گیرند.

علی بیگی (۱۳۹۴) به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل فرایندهای واجی و صرفی در ۱۶۱ وام‌واژه موجود در گویش کردی ایلامی پرداخته است. او معتقد است که این وام‌واژه‌ها از زبان‌هایی نظیر فارسی، عربی و انگلیسی وارد گویش کردی ایلامی شده‌اند. در این پژوهش انواع فرایندهای واجی در همخوان‌ها و واکه‌ها بررسی و ساخت ترکیبات فعلی با وام‌واژه‌های گویش

کردی ایلامی مطالعه می‌شود. بر اساس یافته‌ها، بیش‌تر ترکیبات ساخته‌شده با وام‌واژه‌ها شامل ترکیبات فعلی هستند و نشانه‌های معرفگی، نکرگی، نشانه جمع و تکواژه‌های اشتقاقی گویش کردی ایلامی در وام‌واژه‌ها استفاده می‌شوند.

پالیزبان و یوسفی‌راد (۱۳۹۴) به بررسی گویش کردی ایلامی می‌پردازد. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که وجود همخوان‌ها و واکه‌های [ɔ] [ɛ] [ɨ] [ɪ] [ɨ] [ɨ] [ɨ] [ɨ] [ɨ] از مشخصه‌های مهم واج‌شناختی این گویش است و برخلاف دیگر گویش‌های کردی، دستگاه صرف فعل در گویش کردی ایلام همواره پنج صیغه‌ای است، یعنی صیغه‌های دوم شخص جمع و سوم شخص جمع در هم ادغام می‌شوند. براساس یافته‌ها، ساختمان هجا در این گویش با زبان فارسی نو تفاوت دارد، به این صورت که شش الگوی هجایی در گویش کردی ایلام وجود دارند و از این میان، سه هجا دارای خوشه همخوانی آغازی می‌باشند که عضو دوم این خوشه‌ها همواره یکی از نیم‌واکه‌های [w]، [y] یا [ɥ] است. همچنین، مطابقت عدد و معدود و همچنین تمایز جنس دستوری در گویش کردی ایلام وجود ندارد و به دلیل عدم استفاده از فعل کمکی برای زمان آینده، از تصریف زمان حال برای بیان زمان آینده در این گویش استفاده می‌شود.

افشار و زارعی (۱۳۹۵) به بررسی فعل‌های مرکب و پیشوندی در گویش کلهری پرداخته‌اند. داده‌های پژوهش به صورت توصیفی و کتابخانه‌ای گردآوری و با نظریات مهمی که در رابطه با فعل‌های پیشوندی و مرکب وجود دارند، مطابقت داده شده‌اند. بر اساس یافته‌ها، فعل‌های مرکب در گویش کلهری به هر دو صورت هسته‌پایانی و هسته‌آغازین وجود دارند و معانی آن‌ها گاهی درون‌مرکز و انباشتی و گاهی نیز به صورت برون‌مرکز و اصطلاحی قابل تشخیص هستند. همچنین، بر مبنای بررسی‌های تاریخی بیان می‌شود که فعل‌های پیشوندی همچنان در متون معاصر کردی کاربرد دارند و اکثر فعل‌های پیشوندی با دو پیشوند زایای «هه‌ل» و «دا» ساخته می‌شوند.

پژوهش پیش رو کلیت گونه‌ی گردلی را بررسی می‌کند و نظام واجی، صرفی و نحوی ارائه شده در این پژوهش، با کلیت گونه‌ی گردلی مطابقت دارد.

۳. چارچوب نظری پژوهش

مشکوه‌الدینی (۱۳۶۴) معتقد است در مطالعات زبان‌شناسی که از آغاز قرن بیستم پیشرفت و گسترش داشته‌اند، برای بررسی و توصیف واج‌ها از دیدگاه‌های علمی گوناگون، روش‌های متعدد و متفاوتی ارائه شده‌اند و در همه نظریه‌های زبان‌شناسی، واج‌شناسی به عنوان بخشی اساسی در توصیف ساخت زبان در نظر گرفته می‌شود. روش بررسی و توصیف واج‌ها در هر نظریه عمومی زبان^۱ برحسب دیدگاه‌های علمی آن متفاوت است. نظریه عمومی زبان طرحی کلی درباره زبان انسان است که بر پایه تجربیات به دست آمده از مطالعه زبان‌های گوناگون تدوین شده است و در واقع شکل کلی زیربنای زبان‌های طبیعی را مشخص می‌کند و می‌تواند به عنوان راهنما در توصیف زبان‌های گوناگون به کار برود. نخستین بررسی وسیع و صریح مفهوم واج در نوشته‌های زبان‌شناسان پراگ در سال‌های نیمه اول قرن بیستم مشاهده می‌شود. این مکتب مجموعه‌ای از قواعد واجی را ارائه کرد که بسیاری از زبان‌شناسان نیز آن را قبول کردند.

یکی از نخستین اصول زبان‌شناسان پراگ، جداسازی واج‌شناسی از آواشناسی است. در آواشناسی، فیزیک و فیزیولوژی صداها مطالعه می‌شود، در حالی که واج‌شناسی به نقش صداها در درون یک نظام یا دستگاه، توجه می‌کند. به بیان دیگر، در واج‌شناسی تنها تفاوت صداها، که برحسب نقش متفاوت آن‌ها از یکدیگر در زبانی خاص پدید می‌آید، به عنوان یک نظام یا دستگاه آوایی بررسی می‌شود. آنچه در زبان اهمیت دارد، تقابل واجی واحدهای آوایی است، نه تفاوت آوایی آن‌ها. روش مقایسه جفت‌های کمینه برای تعیین واج‌های زبان نیز نخستین بار به وسیله پژوهشگران مکتب پراگ به کار گرفته شد و بر اساس آن، تقابل واجی دو صدا برحسب تمایز معنایی که میان دو واژه خاص ایجاد می‌کنند، آشکار می‌شود و آن دو صدا به عنوان دو واج متمایز در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند، مانند دو واج /k/ و /g/ در دو واژه /kaman/ و /gaman/.

مشکوه‌الدینی (۱۳۶۴) اظهار می‌کند که برای نمایش دقیق زنجیره گفتار و صداها، زبان، معمولاً از خط دقیقی به نام «الفبای آوانگار جهانی» استفاده می‌شود. در الفبای آوانگار و از لحاظ

^۱ linguistic theory

نظری، گونه‌های عمده صداهای زبان‌های گوناگون فهرست شده‌اند. در خط آوانگار، در برابر هر صدا، تنها یک نشانه خطی مشخص به کار می‌رود. به نمایش گفتار به وسیله خط آوانگار، که به دو روش تفصیلی^۱ و کلی^۲ می‌تواند انجام گیرد، به ترتیب آوانویسی^۳ و واج‌نویسی^۴ گفته می‌شود و برای جلوگیری از اشتباه با خط عادی لاتین، معمولاً آوانویسی در میان دو قلاب [] و واج‌نویسی میان دو خط مایل // نوشته می‌شود.

بخش واج‌شناسی این پژوهش بر اساس مکتب واج‌شناسی پراگ و ارائه جفت کمینه^۵ انجام می‌شود. به این ترتیب که استخراج واج‌های^۶ گونه گردلی با ارائه جفت‌های کمینه‌ای انجام می‌گیرد که از داده‌ها به دست آمده‌اند و واج‌گونه‌های^۷ مهم، ساختار هجایی و فرایندهای واجی^۸ موجود در گونه گردلی نیز ارائه می‌شوند. مکتب پراگ یکی از جنبش‌های فعال زبان‌شناسی و متأثر از آرای سوسور است. توجه بیش‌تر این مکتب به حوزه واج‌شناسی است، مفاهیمی چون تقابل نقشی واج‌ها، مفهوم مشخصه‌های تمایزدهنده واج‌ها، بحث نشان‌داری و بی‌نشان بودن آنها و مشخصه‌های زبرنجیری از مسایل مهمی است که توسط افرادی چون یاکوبسن^۹ و تروبتسکوی^{۱۰} در این مکتب مورد بررسی قرار می‌گیرند. مکتب پراگ نخستین توصیف خود را از شبکه صوتی زبان با ارایه جدایی واج‌شناسی از آواشناسی اعلام کرد. در خصوص شیوه آوانگاری در مقاله پیش رو باید گفت که تمامی داده‌هایی که ارائه می‌شوند با الفبای آوانگار بین‌المللی^{۱۱} IPA 2020 (پیوست ۱) نوشته می‌شوند. بخش صرف و نحو این پژوهش بر اساس کتاب دستور زبان فارسی ۱ ویرایش چهارم، نوشته احمدی گیوی و انوری (۱۳۹۰) انجام می‌گیرد.

¹ narrow transcription

² broad transcription

³ phonetic transcription

⁴ phonemic transcription

⁵ minimal pair

⁶ phoneme

⁷ allophone

⁸ phonological processes

⁹ R. Jakobson

¹⁰ N. Trubetzkoy

¹¹ International Phonetic Alphabet

۳-۱. روش پژوهش

روش کلی این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. از روش تحقیق کتابخانه‌ای برای گردآوری کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات مرتبط با موضوع و از روش تحقیق میدانی برای گردآوری داده‌های گونه‌ی زبانی مورد مطالعه، استفاده شده است. در بخش تحقیق میدانی از «راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه‌ی گویش‌های ایرانی» فرهنگستان زبان و ادب فارسی گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، استفاده شده است. در مجموع ۱۶۲ فعل، ۱۳۵ جمله و بیش از ۱۵۰۰ واژه گونه‌ی کُردلی از مجموع ۸ ساعت مصاحبه به صورت پرسش و پاسخ گردآوری شده‌اند. داده‌ها پس از ضبط با نرم‌افزار ضبط صدای همراه، بر اساس الفبای آوانگار IPA 2020 آوانویسی شده‌اند. مصاحبه‌ها با ۱۲ نفر که همگی گویشور گونه‌ی کُردلی و ساکن شهر دهلران می‌باشند، انجام گرفته‌اند (پیوست ۲). شرایط سنی و تحصیلی گویشوران عبارتند از: یک گویشور مرد ۷۵ ساله بی‌سواد، سه گویشور مرد ۶۴ تا ۸۹ ساله با تحصیلات ابتدایی، یک گویشور مرد ۶۳ ساله با تحصیلات سیکل، شش گویشور (چهار زن و دو مرد) ۲۷ تا ۳۵ ساله با تحصیلات دیپلم تا لیسانس و یک گویشور بانوی ۷۱ ساله بی‌سواد. به دلیل شیوع بیماری کرونا در زمان انجام پژوهش، انجام مصاحبه‌های بیشتر امکان‌پذیر نبود.

۴. تحلیل داده‌ها

۴-۱. واج‌شناسی گونه‌ی کُردلی گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

با توجه به جفت کمینه‌های گردآوری شده از داده‌های پژوهش، گونه‌ی کُردلی دارای ۹ واکه ساده /p, b, t, d, k, g, q, ʔ, f, v, s, z, ʃ, ʒ, ʎ, e:, ε:, a, α, o, ø, u, ə/ و ۲۸ همخوان /i, e:, ε:, a, α, o, ø, u, ə/ ساده /p, b, t, d, k, g, q, ʔ, f, v, s, z, ʃ, ʒ, ʎ, e:, ε:, a, α, o, ø, u, ə/ و ۲۸ همخوان /i, e:, ε:, a, α, o, ø, u, ə/ است (پیوست ۳). به اعتقاد نگارنده در گونه‌ی کُردلی واکه مرکب وجود ندارد، زیرا در واژه‌هایی مانند شب /ʃow/، زبر /zøwɾ/، بادام /vojɱ/ و چای /ʃoj/ آن چه که پس از واکه میانی می‌آید، یک همخوان غلت است. واکه /a/ در گونه‌ی کُردلی دارای واج گونه /ɔ/ با مشخصه‌های واجی پسین، نیم‌باز، گرد و کشیده است. مانند:

فارسی /fɒrsi/ رقص /raqɒsi/ راستی /rɒsi/ تاریک /tɒrik/

در این گونه‌ی زبانی معمولاً هنگامی که واکه /i/ پیش از همخوان /j/ بیاید کوتاه می‌شود و به صورت /I/ با مشخصه‌های واجی پیشین، تقریباً بسته، گسترده و کوتاه تلفظ می‌شود. مانند:

مرد /pija/ پیاز /pijaz/ گیاه /gija/ شکم /gija/

البته با توجه به داده‌های گردآوری‌شده، چنین به نظر می‌رسد که واج گونه‌ی /I/ در همه موارد پیش از /j/ به کار نمی‌رود.

همخوان /ŋ/ در گونه‌ی کُردلی دارای واج گونه‌ی /ŋ/ با مشخصه‌های واجی خیشومی، کامی، واکدار است که در گفتار برخی افراد مسن دیده می‌شود. مانند:

خرچنگ /kəɾzəŋ/ گاو ماده /məŋa/ مژه /məzəŋ/

در گونه‌ی کُردلی علاوه بر سه هجای CVCC, CVC, CV هجای CCVCCC, CCVCC, CCVC نیز به صورت محدود وجود دارند. مانند:

خواهر /xwɛ:ɟjk/ گرز /gwəɾz/ گل /gwəl/ سنگ /bard/ دماغ /Pət/ فردا /sø/

در این گونه‌ی زبانی واژه /xwɛ:/ با ساختار هجایی CCV و به معنی «خودش» می‌باشد که با توجه به صرف واژه «خود» به نظر می‌رسد که از دو تکواژ /xw-/ به معنی «خود» و ضمیر پیوسته /-ɛ:/ ساخته شده باشد. در گونه‌ی کُردلی تکواژ /xw-/ با ساختار هجایی CC به تنهایی به کار نمی‌رود. آنچه از داده‌های گردآوری‌شده حاصل می‌شود، این است که نحوه‌ی واج‌آرایی خوشه‌ی آغازین در این گونه‌ی زبانی به این صورت می‌باشد که همیشه عضو دوم خوشه، واج /w/ است و عضو اول خوشه تنها می‌تواند یکی از واج‌های /x/ یا /g/ باشد. به عبارت دیگر، در هجاهای دارای خوشه‌ی آغازین، تنها دو خوشه /gw/ و /xw/ به صورت بالفعل وجود دارند. مانند:

خوردن /xwardən/ خوش /xwəɟ/ گرگ /gwəɾg/ کلیه /gwəɾtʃa/

در گونه‌های دیگر کُردی از جمله کُردی ایلامی، عضو دوم خوشه‌ی آغازین CC می‌تواند واج /j/ نیز باشد و به صورت خوشه‌ی آغازین Cj نشان داده می‌شود. اما در گونه‌ی کُردلی خوشه‌ی آغازین Cj وجود ندارد. فرایندهای واجی که در گونه‌ی کُردلی رخ می‌دهند عبارتند از: ابدال، حذف، اضافه یا درج، همگونی و خنثی‌شدگی تقابل واجی. فرایندهای واجی درج و اضافه‌شدن تکواژهای واجی درج همخوان، بیش‌تر در محیط واژ-واجی رخ می‌دهند. هنگام اضافه‌شدن تکواژهای

دستوری که با واکه شروع می‌شوند، به دلیل التقای دو واکه، معمولاً به تکواژهای واژگانی که به واکه ختم می‌شوند، یک همخوان اضافه می‌شود. خنثی‌شدگی تقابل واجی و اج‌های /x/، /q/ و /ʎ/ نیز در این گونه‌ی زبانی رخ می‌دهد. برای مثال همه‌ی جفت‌های زیر در داده‌های پژوهش یافت شده‌اند.

قیچی /maqrɑz/ /mayrɑz/ /ʃərəx/ /ʃərəɣ/ /ʔarax/ /ʔaraq/
عرق چراغ

۴-۲. صرف گونه‌ی کُردلی

نظام صرفی گونه‌ی کُردلی به این صورت است که انواع فعل‌های ساده، مرکب، پیشوندی، پیشوندی مرکب و عبارت‌های فعلی در این گونه‌ی زبانی وجود دارند. در فعل‌های پیشوندی، تنها پیشوند /ʔat-/ و در فعل‌های پیشوندی مرکب، دو پیشوند /ʔat-/ و /ʔow-/ یافت می‌شوند. برای مثال:

افتادن	نشانه‌ی مصدر-ستاک گذشته	kaft-ən
چرخ‌زدن	نشانه‌ی مصدر-ستاک گذشته+عنصر غیرفعلی	xər+xward-ən
برداشتن	نشانه‌ی مصدر-ستاک گذشته-پیشوند	ʔat-gərt-ən
آتش‌افروختن	نشانه‌ی مصدر-ستاک گذشته-پیشوند+عنصر غیرفعلی	taf+ʔow-kərd-ən
بالا بردن صدا	نشانه‌ی مصدر-ستاک گذشته-پیشوند+عنصر غیرفعلی	daŋ+ʔat-owərd-ən
از دست رفتن	نشانه‌ی مصدر-همخوان میانجی-ستاک گذشته-پیشوند+عنصر غیرفعلی+حرف اضافه	ʔaʒ+qap+dar-ʃi-j-ən

شناسه‌های گذشته به صورت کلی عبارتند از: /-ən, -ən/, /-im(ən), -i, Ø, -əm, -i/ و

شناسه‌های غیرگذشته به صورت کلی عبارتند از: /-ən, -ən/, /-im(ən), -e:, -i, -əm, -i/.

در گونه‌ی کُردلی فعل‌هایی وجود دارند که در هنگام صرف، باعث تغییر در شناسه‌ها می‌شوند.

مصدر گونه‌ی کُردلی از ستاک گذشته فعل اصلی به اضافه‌ی /-ən/ ساخته می‌شود. مانند:

مصدر فعل آمدن /ja:t/ + /ən/ → /ja:tən/

نظام صرف فعل در این گونه‌ی زبانی معمولاً پنج‌صیغه‌ای است، به این معنی که صورت صرفی دوم شخص جمع و سوم شخص جمع یکسان تلفظ می‌شوند. صرف فعل در زمان گذشته نقلی همواره چهارصیغه‌ای است، به این معنی که صورت صرفی دوم شخص مفرد، دوم شخص جمع و سوم شخص جمع یکسان تلفظ می‌شود. صرف فعل‌هایی مانند «رسیدن» /rasijən/، بستن /vasijən/، بخشیدن /vaxʃijən/، بودن /bijən/، رفتن /fijən/ و دیدن /dijən/ در زمان غیرگذشته نقلی نیز به دلیل تلفیق شناسه‌های دوم شخص مفرد، دوم شخص جمع و سوم شخص جمع با نشانه نقلی /-ə/ سه صیغه‌ی این افعال به یک شکل تلفظ می‌شود. مانند:

di-mən-a	دیده‌ام (اول شخص مفرد)	di-m-a	دیده‌ایم (اول شخص جمع)
di-n-a	دیده‌اید (دوم شخص مفرد)	di-n-a	دیده‌اید (دوم شخص جمع)
di-n-a	دیده‌است (سوم شخص مفرد)	di-j-a	دیده‌اند (سوم شخص جمع)

ستاک فعل به دو صورت گذشته و غیرگذشته در گونه‌ی گردلی وجود دارد. زمان‌های گذشته ساده، گذشته استمراری، غیرگذشته نقلی، گذشته نقلی و گذشته جاری از ستاک گذشته ساخته می‌شوند و ستاک غیرگذشته نیز در ساخت زمان‌های غیرگذشته اخباری، غیرگذشته التزامی، غیرگذشته جاری و آینده به کار می‌رود. صرف زمان گذشته نقلی و زمان گذشته التزامی در این گونه‌ی زبانی یکسان است. زمان گذشته ساده از ستاک گذشته فعل اصلی به اضافه شناسه‌های گذشته ساخته می‌شود. مانند:

nisan-im(ən)	نوشتیم	nisan-əm	نوشتید
nisan-ən	نوشتید	nisan-i	نوشتند
nisan-ən	نوشتند	nisan	نوشتید

زمان گذشته استمراری از گذشته ساده فعل اصلی به اضافه نشانه استمراری /də-/ ساخته می‌شود. مانند:

də-nisan-im(ən)	می‌نوشتیم	də-nisan-əm	می‌نوشتید
də-nisan-ən	می‌نوشتید	də-nisan-i	می‌نوشتند
də-nisan-ən	می‌نوشتند	də-nisan	می‌نوشتید

زمان غیرگذشته نقلی از گذشته ساده فعل اصلی به اضافه نشانه نقلی /-ə/ ساخته می‌شود. مانند:

nisan-imən-a	نوشته‌ایم	nisan-əm-a	نوشته‌ام
nisan-ən-a	نوشته‌اید	nisan-in-a	نوشته‌ای
nisan-ən-a	نوشته‌اند	nisan-i-j-a	نوشته است
زمان گذشته نقلی از ستاک گذشته فعل اصلی به اضافه نشانه گذشته نقلی /-u/ به همراه شناسه‌های گذشته نقلی /-im, -in, -i, -imən, -in, -in/ ساخته می‌شود. مانند:			
nisan-u-w-imən	نوشته بودیم	nisan-u-w-im	نوشته بودم
nisan-u-w-in	نوشته بودید	nisan-u-w-in	نوشته بودی
nisan-u-w-in	نوشته بودند	nisan-u-w-i	نوشته بود
زمان گذشته جاری از تکواژ استمراری /ha/ و یا صرف گذشته ساده فعل «داشتن» /dɑftən/ به اضافه صرف گذشته استمراری فعل اصلی ساخته می‌شود. مانند:			
ha+də-nisan-im(ən)	داشتیم	ha+də-nisan-əm	داشتم
dɑft-im də-nisan-im(ən)	می‌نوشتیم	dɑft-əm də-nisan-əm	می‌نوشتم
ha+də-nisan-ən	داشتید	ha+də-nisan-i	داشتی
dɑft-ən də-nisan-ən	می‌نوشتید	dɑft-i də-nisan-i	می‌نوشتی
ha+də-nisan-ən	داشتند	ha+də-nisan	داشت
dɑft-ən də-nisan-ən	می‌نوشتند	dɑft də-nisan	می‌نوشت
زمان غیرگذشته اخباری بیش‌تر فعل‌ها به صورت غیرگذشته ساده است که از ستاک غیرگذشته فعل اصلی به اضافه شناسه‌های غیرگذشته ساخته می‌شود. غیرگذشته اخباری فعل‌های «آمدن» /ja:tən/ و رفتن» /tʃijən/ از نشانه استمراری /də-/ به اضافه غیرگذشته ساده فعل اصلی ساخته می‌شود. مانند:			
nisən-im(ən)	می‌نویسیم	nisən-əm	می‌نویسم
nisən-ən	می‌نویسید	nisən-i	می‌نویسی
nisən-ən	می‌نویسند	nisən-e:	می‌نویسد
də-tʃ-im(ən)	می‌رویم	də-tʃ-əm	می‌روم
də-tʃ-ən	می‌روید	də-tʃ-i	می‌روی
də-tʃ-ən	می‌روند	də-tʃ-u	می‌روند

زمان غیرگذشته التزامی از نشانه التزامی /bə-/ به اضافه غیرگذشته ساده فعل اصلی ساخته

می‌شود. مانند:

bə-nisən-im(ən)	بنویسیم	bə-nisən-əm	بنویسم
bə-nisən-ən	بنویسید	bə-nisən-i	بنویسی
bə-nisən-ən	بنویسند	bə-nisən-e:	بنویسد

زمان غیرگذشته جاری از تکواژ استمراری /ha/ یا صرف غیرگذشته ساده فعل «داشتن»

/daʃtən/» به اضافه صرف غیرگذشته اخباری فعل اصلی ساخته می‌شود. مانند:

ha+nisən-im(ən)	داریم می‌نویسیم	ha+nisən-əm	دارم می‌نویسم
dir-im nisən-im(ən)		dir-əm nisən-əm	
ha+nisən-ən	دارید می‌نویسید	ha+nisən-i	داری می‌نویسی
dir-ən nisən-ən		dir-i nisən-i	
ha+nisən-ən	دارند می‌نویسند	ha+nisən-e:	دارد می‌نویسد
dir-ən nisən-ən		dir-e: nisən-e:	

بیشتر فعل‌های امر از تکواژ امر /bə-/ به اضافه ستاک غیرگذشته فعل اصلی ساخته

می‌شوند. برخی از فعل‌هایی که ستاک غیرگذشته آن‌ها به /ən/ ختم می‌شوند، صورت امر آن‌ها

از تکواژ امر به اضافه ستاک غیرگذشته بدون /ən/ ساخته می‌شود. در برخی از فعل‌ها برای

ساخت فعل امر، ستاک غیرگذشته دچار حذف واج پایانی و یا حذف واج ابتدایی می‌شود. در

برخی از فعل‌ها، واکنه تکواژ امر با همخوان ابتدایی ستاک غیرگذشته همگون می‌شود و

تکواژگونه‌های /bi-/ و /bu-/ را به وجود می‌آورند. در گونه کُردلی فعل‌هایی وجود دارند که

ستاک غیرگذشته آن‌ها به تنهایی و بدون تکواژ امر برای اشاره به فعل امر به کار می‌روند. در این

بین فعل‌های استثنایی نیز وجود دارند که صورت صرفی امر متفاوت و بی‌قاعده دارند. در ادامه

برای هر یک از صورت‌های امر، یک مثال آورده می‌شود.

ستاک غیرگذشته فعل اصلی

rasən رساندن

naʃən نالیدن

min ماندن

hənar فرستادن

ja آمدن

فعل امر دوم شخص مفرد

bə-rasən برسان

bə-naʃ بنال

bə-mi بمان

b-ənar بفرست

bi-ja بیا

vas بستن	bu-was ببند
ʔaʔas برخاستن	ʔaʔas برخیز
d زدن	ba بزن

در این گونهٔ زبانی، برای اشاره به زمان آینده از صرف غیرگذشتهٔ اخباری فعل اصلی و یا از صرف غیرگذشتهٔ سادهٔ فعل کمکی «خواستن» به اضافهٔ صرف غیرگذشتهٔ التزامی فعل اصلی استفاده می‌شود. مانند:

می‌خواهد برود. $xwaz-e: bə-tʃ-u$ فردا می‌رود (خواهد رفت). $sø də-tʃ-u$
 انواع فعل‌های گذرا، ناگذر، سببی، معلوم و مجهول در گونهٔ کُردلی وجود دارند اما فعل‌های
 دوجویی در گونهٔ کُردلی موجود نیست. فعل‌های سببی گذشته از ستاک غیرگذشته به اضافهٔ
 تکواژ $-an/$ و فعل‌های سببی حال از ستاک غیرگذشته به اضافهٔ تکواژ $-ən/$ ساخته می‌شوند.
 مانند:

خواباندم شناسهٔ اول شخص مفرد-تکواژ سببی ساز گذشته-ستاک گذشته $xow-an-əm$
 می‌خوابانم شناسهٔ اول شخص مفرد-تکواژ سببی ساز حال-ستاک غیرگذشته $xow-ən-əm$
 در گونهٔ کُردلی، فعل‌های مجهول به دو صورت گذشته و غیرگذشته وجود دارند. تکواژ
 مجهول ساز گذشته $-ja/$ و تکواژ مجهول ساز غیرگذشته $-e:/$ می‌باشد. بیش‌تر ساخت‌های
 مجهول گذشته و غیرگذشته از ستاک غیرگذشتهٔ فعل اصلی به اضافهٔ تکواژهای مجهول ساز
 ساخته می‌شوند. در فعل‌هایی که ستاک غیرگذشتهٔ آن‌ها به $-ən/$ ختم می‌شوند، در حالت
 مجهول، $-ən/$ از ستاک غیرگذشته حذف می‌شود. در ساخت برخی از فعل‌ها نیز از ستاک گذشته
 برای ساخت مجهول گذشته استفاده می‌شود. در این بین فعل‌های استثنایی نیز وجود دارند که
 ستاک غیرگذشتهٔ آن‌ها در ساخت مجهول دچار تغییرات دیگری می‌شود. در زیر برای هر یک از
 صورت‌های مجهول، یک مثال آورده می‌شود.

vas+e:	vas+ja
تکواژ مجهول ساز غیرگذشته+ستاک غیرگذشته	تکواژ مجهول ساز گذشته+ستاک غیرگذشته
بسته می‌شود	بسته شد
nis+e:	nis+ja
تکواژ مجهول ساز غیرگذشته+ستاک غیرگذشته	تکواژ مجهول ساز گذشته+ستاک غیرگذشته
نوشته می‌شود	نوشته شد

ʔaf+e:	vət+ja
تکواژ مجهول ساز غیرگذشته+ستاک غیرگذشته	تکواژ مجهول ساز گذشته+ستاک گذشته
گفته می‌شود	گفته شد
gir+e:	gir+ja
تکواژ مجهول ساز غیرگذشته+ستاک	تکواژ مجهول ساز گذشته+ستاک (استثنا)
	(استثنا)

گرفته شد / گرفته می‌شود
 مجهول فعل گرفتن /gərtən/ به این دلیل استثنا است که ستاک غیرگذشته آن برابر /gəf/ می‌باشد اما در حالت مجهول دچار تغییر واکه می‌شود.

سه وجه اخباری، التزامی و امری در گونه کُردلی وجود دارند. زمان‌های غیرگذشته اخباری، غیرگذشته جاری، گذشته ساده، غیرگذشته نقلی، گذشته استمراری و گذشته جاری دارای وجه اخباری، زمان‌های غیرگذشته التزامی و زمان آینده دارای وجه التزامی و فعل‌های امر نیز دارای وجه امری هستند. زمان گذشته نقلی نیز به دلیل این که هم به زمان گذشته نقلی و هم به زمان گذشته التزامی دلالت می‌کند، برحسب معنایی که گوینده مد نظر دارد، می‌تواند دارای وجه اخباری یا وجه التزامی باشد. همچنین انواع فعل‌های تام، اسنادی، کامل، ناقص و کمکی نیز در گونه کُردلی یافت می‌شود. فعل‌های اسنادی «شدن /bijən/، بودن /bijən/ و استن /hasən/» به همراه مسند به کار می‌روند. مهم‌ترین فعل‌های ناقص عبارتند از «داشتن /daʃtən/ بودن /bijən/، باشیدن /buwən/ و هستن /hasən/».

فعل «داشتن» در زمان گذشته استمراری صرف نمی‌شود. فعل «باشیدن» تنها در زمان غیرگذشته التزامی و فعل «هستن» تنها در زمان غیرگذشته اخباری صرف می‌شوند. مهم‌ترین فعل‌های کمکی که در ساخت فعل‌های مرکب به کار می‌روند عبارتند از «کردن /kərdən/، بودن /bijən/ و دادن /dajən/». فعل‌های «خواستن /xwasən/ و داشتن /daʃtən/» نیز به عنوان فعل کمکی در صرف برخی زمان‌ها به کار می‌روند. فعل‌های غیرشخصی در گونه کُردلی وجود ندارند، زیرا همواره فعل‌ها همراه با شناسه‌ها به کار می‌روند. روش منفی کردن فعل‌ها در گونه کُردلی به این صورت است که زمان‌های استمراری با تکواژ نفی /nɛ:-/ و بقیه زمان‌ها با تکواژ نفی /na-/ منفی می‌شوند. مانند:

nɛ:-kar-əm	شناسهٔ اول شخص مفرد-ستاک غیرگذشته-تکواژ نفی	نمی‌کنم
nɛ:-zon-i	شناسهٔ دوم شخص مفرد-ستاک غیرگذشته-تکواژ نفی	نمی‌داند
na-daft-ən	شناسهٔ سوم شخص جمع-ستاک گذشته-تکواژ نفی	نداشتند
na-suz-ja	تکواژ مجهول ساز گذشته-ستاک غیرگذشته-تکواژ نفی	نسوخت

انواع اسم‌های ساده، مرکب و مشتق در گونهٔ کُردلی یافت می‌شود. اسم‌های مرکب می‌توانند از ترکیب دو یا چند اسم، ترکیب اسم با اجزای فعلی یا با چند فعل، ترکیب اسم و صفت یا وند و از تکرار بخشی از اسم ساخته شوند. در ادامه برای هر یک از اسم‌های ساده، مرکب و مشتق یک مثال آورده می‌شود.

گُل (ساده) /gwəl/ زن دایی (مرکب) /zə-haɫu/ پینه دوز (مشتق) /pina-kar/ اسم‌ها معمولاً به یکی از صورت‌های جامد، مشتق، خاص، عام، معرفه، نکره، مفرد، جمع، اسم جمع، نام‌آوا و اسم مصغر یافت می‌شوند. نشانه‌های معرفه در گونهٔ کُردلی /-a/ و /-ka/ هستند. نشانهٔ معرفهٔ /-ka/ همراه با اسم‌هایی می‌آید که به یکی از واژه‌های /a/ یا /a/ ختم می‌شوند. اسم‌های معرفه می‌توانند بدون نشانهٔ معرفه نیز بیایند. در ادامه برای هر یک از صورت‌های معرفه، یک مثال ارائه می‌شود.

سکه /səka/ اسب /ʔasb-a/ پیراهن /dʒoma-ka/ /rəwa-ka/ روباه

نشانهٔ نکرهٔ /-i/ به آخر اسم می‌چسبد و نشانهٔ نکرهٔ /jɛ:/ ابتدای اسم می‌آید که نشان‌گر مفرد بودن اسم است. این نشانه‌ها می‌توانند به همراه اسم نیز بیایند. مانند:

یک درختی /jɛ: dar-i/ یک درخت /jɛ: dar/ درختی /dar-i/ نشانهٔ جمع در این گونهٔ زبانی تکواژ /-al/ است. اگر اسم مفرد به واژهٔ /a/ ختم شده باشد تنها /-l/ به عنوان علامت جمع افزوده می‌شود و اگر اسم به واژه‌های دیگر ختم شده باشد، یک همخوان در محیط التقای دو واژه درج می‌شود. مانند:

/ruhani-j-al/ روحانیون
دختران /døt-al/ تخم‌مرغ‌ها /xqja-l/

اسم مصغر دارای یکی از نشانه‌های تصغیر /-ak, -ək, -u, -fʔa/ است. مانند:

تُریچه /təɾpʃa/ بچه‌گره /pəf-u/ نوزاد /baʃfʊt-ək/ قوزک پا /guʒ-ak/

حالت عطفی و اضافی نیز در اسم‌های گونه‌ی کُردلی یافت می‌شود. مضاف و مضاف‌الیه با افزودن تکواژ /-ə/ به مضاف، به هم اضافه می‌شوند و با افزودن تکواژ /-o/ به اسم اول، اسم‌ها در حالت عطفی قرار می‌گیرند. اگر اسم اول به واکنه /a/ ختم شود، نشانه‌ی عطفی به صورت /-ow/ ظاهر می‌شود. مانند:

/saq/ + /das/ → /saq-ə das/ ساق دست
 /zin/ + /barg/ → /zin-o-barg/ زین و یراق
 /ʃaʎa/ + /mirku/ → /ʃaʎ-ow-mirku/ هاون چوبی و دسته‌اش

مثال‌هایی از صفت در گونه‌ی کُردلی در ادامه آمده است:

عجب (تعجبی) /ʃə/ چهار (شمارشی) /ʃar/ کوچک (بیانی) /ʔotʃək/
 هیچ (مبهم) /hiʃ/ چه (پرسشی) /ʃə/ این (اشاره) /ʔi/
 صفت‌ها می‌توانند ساده، مرکب، مشتق یا مشتق مرکب باشند. مانند:

خوب (ساده) /xu/ داخل (مشتق) /ʔow-now/
 رنگارنگ (مرکب) /til-til/ طرح‌دار (مشتق مرکب) /qoʒ-qoʒ-i/
 صفت تفضیلی در گونه‌ی کُردلی با افزودن تکواژ /-tər/ و صفت عالی با افزودن تکواژ /-tərin/ به صفت اصلی ساخته می‌شود. صفت‌های شمارشی ترتیبی از افزودن تکواژهای /-əm/ و /-əmin/ به اعداد اصلی ساخته می‌شوند. مانند:

پنجمین /pandʒ-əmin/ پنجم /pandʒ-əm/ بدترین /gan-tərin/ بدتر /gan-tər/
 ضمیرهای شخصی، مشترک، اشاره، پرسشی، تعجبی و مبهم در گونه‌ی کُردلی وجود دارند. مانند:

عجب (تعجبی) /ʔadʒab/ آن‌ها (اشاره) /ʔəni/ /ʔana/ من (شخصی) /ma/
 هر کس (مبهم) /harka/ چه‌قدر (پرسشی) /ʃani/ خودم (مشترک) /xwam/
 ضمیرهای شخصی به دو صورت جدا و پیوسته هستند. ضمیرهای شخصی جدا عبارتند از:

ʔima	ما	ma / mə	من
ʔiva	شما	tø	تو
ʔana / ʔəni	ایشان / آن‌ها	ʔavi	او

ضمیرهای شخصی پیوسته عبارتند از:

-amo / -əmo	مان	-am / -əm	مَم
-ato / -əto	تان	-at / -ət	مَت

شَس -ε: / -i نشان -ε:jo / -o
ضمیرهای شخصی پیوسته می‌توانند همراه با فعل گذرا به صورت مفعولی، همراه با حرف اضافه و بدون فعل و یا همراه با فعل گذرا به صورت متممی و همراه با اسم، صفت یا ضمیر مشترک «خود» به صورت اضافی به کار بروند. مانند:

ʔa+ban+ʃən-ən-ε: ضمیر شخصی پیوسته سوم شخص مفرد-شناسه سوم شخص جمع -
از نخ می‌بافندش (آن را از نخ می‌بافند) ستاک غیر گذشته+اسم+حرف اضافه

ʔaʒ-ε:jo+bə-gər ستاک غیر گذشته-تکواژ امر+ضمیر پیوسته سوم شخص جمع-حرف
ازشان (از آنها) بگیر اضافه

vət-əm-ε: ضمیر پیوسته سوم شخص مفرد-شناسه اول شخص مفرد-ستاک گذشته
گفتمش (به او گفتم)

ri-j-əm+se:+bu فعل امر+صفت+ضمیر پیوسته اول شخص مفرد-همخوان میانجی-اسم
رویم (روی من) سیاه بشود

daɬək-i+vət مادرش (مادر او) گفت ستاک گذشته+ضمیر پیوسته دوم شخص مفرد-اسم

kor-ə+xw-amo+ʃ-I -ستاک غیر گذشته+ضمیر پیوسته اول شخص جمع-ضمیر
پسر خودمان رفت مشترک+تکواژ اضافه-اسم شناسه سوم شخص مفرد

قیدهای گونه کُردلی می‌توانند به صورت مختص یا مشترک باشند و همانند زبان فارسی انواع قیدها در این گونه زبانی یافت می‌شوند. برخی از اسم‌ها، ضمیرها، صفت‌ها و نقش‌نماهای گونه کُردلی می‌توانند در حالت قیدی نیز به کار بروند. مانند:

fəra زیاد (قید مقدار) də:ra این‌جا (قید مکان) ʔəmʃow امشب (قید زمان)

ʔadʒab عجب (قید) ʃakət خسته (قید حالت) jəwɑʃ آرام (قید کیفیت)

(تعجب)

ha:dɛ: شاید (قید تردید) ʃətor چطور (قید پرسش) hatman حتماً (قید تاکید)

ʃow شب (قید مشترک) ʔasi اصلاً (قید مختص) hɛ:f افسوس (قید تأسف)

انواع شبه‌جمله‌های آرزو، دعا، تحسین، تشویق، تأسف، تعجب، تحذیر، امر، تصدیق، قبول و تفسیر در گونه‌ی گردلی وجود دارند. مانند:

kaʃka (آرزو)	ʔomi (دعا)	ماشاءالله (تحسین)
ʔaka həj (تأسف)	wɛ: (تعجب)	هان (تحذیر)
xafa (امر)	ʔa vaʔa (تصدیق)	روی چشم sarə ʃow (قبول)

یعنی (تفسیر) ja:ni آخ (درد) ʔax آفرین (تشویق) ʔafari
نقش‌نماها نیز به صورت حرف ربط، حرف اضافه، نشانه‌های ندا، نشانه‌ی مفعولی و نشانه‌ی اتصاف و اضافه در این گونه‌ی زبانی یافت می‌شوند. نشانه‌های ندا عبارتند از: /-a, ja, ʔəj, hɛ:/ مانند:

آهای (خطاب) /hɛ:/ ای خدا /ʔəj xoda/ یا خدا /ja xoda/ خدایا /xodaʔa/
نشانه‌ی مفعول تکواژ /-ə/ است که پس از واژه‌های مختوم به واکه به صورت /-nə/ ظاهر می‌شود. مفعول می‌تواند بدون نشانه یا همراه با نشانه‌های معرفه و نکره‌ی گونه‌ی گردلی بیاید. ضمیرهای پیوسته‌ی مفعولی نیز بدون نشانه می‌آیند. مانند:

ʔəmʃow+bəjad+xw-am-ə+va+ʃa:r+bə-rasən-əm
ستاک غیرگذشته-تکواژ امر+اسم+حرف اضافه+نشانه‌ی مفعول-ضمیر پیوسته-ضمیر
مشترک+قید+قید شناسه‌ی اول شخص مفرد امشب باید خودم را به شهر برسانم
ستاک گذشته+اسم+حرف اضافه+نشانه‌ی مفعول-اسم+اسم hasan+ʔalin-ə+da+bax+di

حسن علی را در باغ دید
yɛ:r+ʔaʒ+tø+kasi+na-di-m-a
نشانه‌ی نقلی-شناسه-ستاک گذشته-تکواژ نفی+ضمیر مبهم+ضمیر شخصی+حرف اضافه+حرف
اضافه غیر از تو کسی را ندیده‌ام

me:-j-al-a+dəzi-j-ən
شناسه سوم شخص جمع-همخوان میانجی-ستاک گذشته+نشانه‌ی معرفه-نشانه‌ی جمع-همخوان
میانجی-اسم گوسفندها را دزدیدند

sif-i+xward-əm-a سیبی خورده‌ام نشانه‌ی نقلی-شناسه-ستاک گذشته+نشانه‌ی نکره-اسم

نشانهٔ اتصاف و نقش‌نمای اضافه در گونهٔ کُردلی تکواژ /-ə/ است. اگر موصوف یا مضاف به واکهٔ /a/ ختم شود، واکهٔ /a/ حذف می‌شود و تکواژ /-ə/ به صورت /-ε:/ کشیده می‌شود. اگر موصوف یا مضاف به واکهٔ /-ε:/ ختم شود، نشانهٔ اتصاف و نقش‌نمای اضافه افزوده نمی‌شود و اگر موصوف یا مضاف به بقیهٔ واکه‌ها ختم شوند، یک همخوان در محل التقای دو واکه درج می‌شود. مانند:

کشککِ زانو /kaʃk-ε: zanu/ → زانو /zanu/ + /ə/ + کشکک /kaʃka/

گلیمِ رنگی /lε: ranji/ → رنگی /ranji/ + گلیم /lε:/

رویِ من /ri-j-ə mə/ → من /mə/ + /ə/ + روی /ri/

۳-۴. نحو گونهٔ کُردلی

ساختار نحوی گونهٔ کُردلی به این صورت است که در ساخت جمله‌ها، نهاد می‌تواند اسم، ضمیر، گروه اسمی و یا تهی باشد و گزاره نیز می‌تواند تنها از فعل و یا از فعل به اضافهٔ مفعول، مسند و متمم ساخته شود. جمله‌های دو جزئی از نهاد و فعل ناگذر و جمله‌های سه جزئی از نهاد، مسند و فعل اسنادی و یا از نهاد، مفعول و فعل گذرا ساخته می‌شوند. مانند:

شناسه سوم شخص مفرد-ستاک غیر گذشته-نشانهٔ استمراری+اسم $hasan+də-tʃ-u$

می‌رود+حسن

شد+بسته+در+ستاک گذشته+مسند+اسم $dar+basta+bi$

گزید+مرا+مار+ستاک گذشته+مفعول+اسم $marə+mənə+gazi$

خوردم+غذا شناسه اول شخص مفرد-ستاک گذشته+اسم $yaza+xward-əm$

جمله‌ها از حیث بیان، خبری، پرسشی، عاطفی و امری هستند که هر کدام از آن‌ها بر حسب

شرایط عاطفی گوینده و یا واکنشی که مدنظر دارد، می‌توانند با آهنگ افتان یا خیزان ادا شوند.

مانند:

/ʔavdəta sə dəʃfu/ عبدالله فردا می‌رود (خبری).

/ʔava tʃε: bi/? آن چه بود؟ (پرسشی).

/tʃə mələ ga:pi dire:/ چه خانهٔ بزرگی دارد (عاطفی).

/ʔi kərə naka/

این کار را نکن (امری).

جمله‌ها از حیث نظم، می‌توانند دستوری و یا غیردستوری باشند. در گونه کُردلی، جمله‌ها بیش‌تر به صورت غیردستوری و با جابجایی فعل به جایگاه بالاتر، در گفتار عادی به کار می‌روند. از بین جمله‌های زیر که به صورت نمونه آورده شده‌اند، جمله a دستوری و جمله b غیردستوری است.

a. /bərəŋam madrəsa nə:ʔu/ برادرم (نهاد) به مدرسه (متمم) نمی‌رود (فعل).

b. /bərəŋam nə:ʔu madrəsa/ برادرم (نهاد) نمی‌رود (فعل) به مدرسه (متمم).

جمله‌ها از حیث فعل به سه دسته جمله‌های فعلی، جمله‌های با فعل اسنادی و جمله‌های بی‌فعل تقسیم می‌شوند. جمله‌های فعلی با فعل‌های تام ساخته می‌شوند. در این گونه زبانی، جمله‌های بی‌فعل می‌توانند همراه با فعل و همین‌طور به صورت منفی به کار بروند. مانند:

/kaft ʔaʔ zami/ افتاد (فعل تام) بر زمین (متمم).

/ga hə:vona/ گاو (نهاد) حیوان است (مسند و فعل اسنادی).

/xɛ:rijat/ به سلامتی (جمله بی‌فعل).

/tof da rijət nu/ تف به رویت نیاید (جمله منفی).

جمله‌ها از حیث ساختمان نیز به صورت ساده (تنها با یک فعل) و یا مرکب (با بیش از یک فعل) وجود دارند. جمله‌های مرکب دارای یک جمله هسته و یک یا چند جمله وابسته هستند. جمله‌های وابسته می‌توانند پیش یا پس از جمله‌های هسته قرار گیرند. مانند:

/ʃow rəʃjɔjm da maʔ/ شب ریخته بودند در خانه (جمله ساده).

/taza xowjɔjm kə daŋəm kərɔdi/ تازه خوابیده بودم (هسته) که صدایم زدی (وابسته).

/pijɔji kə dora niʃtija rəqifə mənə/

مردی که آنجا نشسته (وابسته) دوست من است (هسته).

جمله‌های شرطی با واژه‌های /ʔaʔ/ به معنی «اگر» و /maʔ/ به معنی «مگر» ساخته

می‌شوند. جواب شرط می‌تواند به صورت جمله ساده یا مرکب باشد. مانند:

/ʔaʔ ʔavinə din səʔam ʔazɛ: bərəs/

اگر او را دیدی (جمله شرط) سلام به او برسان (جواب شرط).

/ʔar mə ʔi kara kərdəma ha:ɾʃi dələt xwəze: toni baʃi/

اگر من این کار را کرده‌ام (جمله شرط) هر چه دلت می‌خواهد می‌توانی بگویی (جواب شرط).
در گونه گردلی، جمله‌های مثبت را می‌توان با منفی کردن فعل جمله به جمله‌های منفی تبدیل کرد. مانند:

/mahalə ʔima dɔʃt/ → /mahalə ʔima nadɔʃt/

محل ما نداشت محل ما داشت

جمله‌های پرسشی یا همراه با ضمیر و صفت‌های پرسشی می‌آیند و یا بدون واژه‌های پرسشی و تنها با تغییر آهنگ جمله‌های خبری از حالت افتان به خیزان به کار می‌روند. مانند:

/ʃa xwardina/?

چه خورده‌ای؟

/sowzijala ʃəʃti/?

سبزی‌ها را شستی؟

۵. نتیجه‌گیری

همان‌گونه که آورده شد گونه گردلی دارای ۹ واکه ساده و ۲۸ همخوان است. واکه مرکب در این گونه زبانی وجود ندارد و هجا دارای شش ساخت $CCVCC$, $CCVC$, $CVCC$ و $CCVCCC$ است. فرایندهای واجی ابدال، حذف، اضافه یا درج، همگونی همخوانی و خنثی‌شدگی تقابل واجی در این گونه زبانی وجود دارد. نظام صرف فعل معمولاً به این صورت است که صورت دو صیغه دوم شخص جمع و سوم شخص جمع به یک شکل تلفظ می‌شود، برخی فعل‌ها در زمان غیرگذشته نقلی به این صورت صرف می‌شوند که سه صیغه دوم شخص مفرد، دوم شخص جمع و سوم شخص جمع به یک شکل تلفظ می‌شوند.

صرف فعل در زمان گذشته نقلی نیز همواره به این صورت است که سه صیغه دوم شخص مفرد، دوم شخص جمع و سوم شخص جمع به یک شکل تلفظ می‌شوند. زمان‌های گذشته ساده، گذشته استمراری، غیرگذشته نقلی، گذشته نقلی و گذشته جاری از ستاک گذشته ساخته می‌شوند و ستاک غیرگذشته نیز در ساخت زمان‌های غیرگذشته اخباری، غیرگذشته التزامی، غیرگذشته جاری و آینده به کار می‌رود. انواع فعل‌های تام، اسنادی، کامل، ناقص و کمکی نیز در

گونه کُردلی یافت می‌شود. فعل‌های غیرشخصی در گونه کُردلی وجود ندارند، زیرا همواره فعل‌ها همراه با شناسه‌ها به کار می‌روند.

انواع اسم‌های ساده، مرکب و مشتق در گونه کُردلی یافت می‌شوند. همچنین اسم‌ها معمولاً به یکی از صورت‌های جامد، مشتق، خاص، عام، معرفه، نکره، مفرد، جمع، اسم جمع، نام‌آوا و اسم مضر یافت می‌شوند و انواع صفت، ضمیر، قید، شبه‌جمله و نقش‌نما در این گونه زبانی وجود دارد. جمله‌ها از حیث بیان به انواع خبری، پرسشی، عاطفی و امری تقسیم می‌شوند و از حیث نظم، می‌توانند دستوری و یا غیردستوری باشند که در گونه کُردلی، بیش‌تر صورت غیردستوری آن‌ها در گفتار عادی به کار می‌رود. جمله‌ها از حیث فعل به سه دسته جمله‌های فعلی، جمله‌های با فعل اسنادی و جمله‌های بی‌فعل تقسیم می‌شوند و از حیث ساختمان نیز به دو صورت ساده و یا مرکب یافت می‌شوند. در گونه کُردلی، جمله‌های پرسشی یا همراه با ضمیر و صفت‌های پرسشی می‌آیند و یا بدون واژه‌های پرسشی و تنها با تغییر آهنگ جمله‌های خبری از حالت افتان به خیزان به کار می‌روند.

منابع

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری. (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی ۱. چ. ششم. تهران: فاطمی.
- آرانسکی، یوسف میخائیلوویچ. (۱۳۵۸). مقدمه فقه اللغة ایرانی. مترجم کریم کشاورز. تهران: پیام.
- افشار، طاهره و سروش زارعی. (۱۳۹۵). بررسی افعال مرکب در گویش کلهری با تکیه بر آثار ادبی معاصر. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۳ (۱۵)، صص. ۴۱-۵۴.
- بازیار، حسین. (۱۳۹۲). طرح ملی گویش‌شناسی ایران (۴۰ روستا در استان ایلام) شماره ۹. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- بساطی، هوشنگ. (۱۳۸۹). اشتقاق در کردی آبدانانی: یک تحلیل ترکیبی همزمانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- پالیزبان، کرم‌اله و فاطمه یوسفی‌راد. (۱۳۹۴). بررسی معیارهای رده‌شناختی گویش کردی ایلام. فرهنگ ایلام، ۱۶ (۴۶ و ۴۷)، صص. ۴۱-۵۴.
- حق‌شناس، علی محمد. (۱۳۵۶). آواشناسی (فوتتیک). تهران: آگاه.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۸۷). زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی. *ادب پژوهی*، (۵)، صص. ۹۱-۱۲۸.

- رضایی، شهین. (۱۳۹۲). توصیف واج‌شناختی گویش کردی دهلرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- سایپر، ادوارد. (۱۳۷۶). زبان درآمدی بر مطالعه سخن گفتن. مترجم علی محمد حق‌شناس. تهران: سروش.
- سیدی، سید عباس. (۱۳۹۲). بررسی گویش کردی ایلامی (روستای فرهادآباد شهرستان دره‌شهر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- علی بیگی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی واجی و صرفی وام‌واژگان گویش کردی ایلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- فالک، جولیا اس. (۱۳۷۱). زبان‌شناسی و زبان، بررسی مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی. مترجم خسرو غلامعلی‌زاده. مشهد: رهنما.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (۱۳۸۹). راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایرانی، گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی. تهران.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۶۴). ساخت آوایی زبان بختی درباره صداهای زبان و نظام آن. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی.
- Anonby, E., M. Taheri-Ardali, et. al.(eds.). (2015-2019). Atlas of the languages of Iran (ALI). Ottawa: Geomatics and Cartographic Research Center. Online address: <http://iranatlas.net>
- Hudson, G. (2000). *Essential introductory linguistics*. Oxford: Blackwell Publishers Inc.
- Yule, G. (1985). *The Study of language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- <https://www.internationalphoneticassociation.org>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوست (۱)

فهرست علائم IPA 2020 و نشانه‌ها

r	زنشی، لثوی	i	پیشین، بسته، گسترده
ɾ	تک‌زنشی، لثوی	ɪ	پیشین، تقریباً بسته، خنثی
l	ناسوده کناری، لثوی	eː	پیشین، نیم‌بسته، گسترده
ɭ	ناسوده کناری، لثوی کامی	ɛː	پیشین، نیم‌باز، گسترده
m	خیشومی، دولبی	ə	مرکزی، میانه، خنثی
n	خیشومی، لثوی	a	پیشین، باز، گسترده
ŋ	خیشومی، نرم کامی	ɑ	پسین، باز، خنثی
ɲ	خیشومی، کامی	o	پسین، نیم‌بسته، گرد
f	سایشی، لبی‌دندانی، بی‌واک	ø	پیشین، نیم‌بسته، گرد
v	سایشی، لبی‌دندانی، واگذار	ɔ	پسین، نیم‌باز، گرد
w	ناسوده، دولبی	u	پسین، بسته، گرد
ʒ	ناسوده، کامی	b	انفجاری، دولبی، واگذار
q	انفجاری، ملازی، بی‌واک	p	انفجاری، دولبی، بی‌واک
ɣ	سایشی، نرم کامی، واگذار	d	انفجاری، لثوی، واگذار
ʔ	انفجاری، چاکنایی	t	انفجاری، لثوی، بی‌واک
-	مرز نکواژ	g	انفجاری، نرم کامی، واگذار
V	واکه	k	انفجاری، نرم کامی، بی‌واک
C	همخوان	z	سایشی، لثوی، واگذار
:	کشیدگی واکه	s	سایشی، لثوی، بی‌واک
()	عنصر اختیاری	ʒ	سایشی، پس‌لثوی، واگذار
//	واحد نویسی	ʃ	سایشی، پس‌لثوی، بی‌واک
/	یا	ɟʒ	سایشی، کامی، واگذار
+	به اضافه	tʃ	سایشی، کامی، بی‌واک
→	می‌دهد	x	سایشی، نرم کامی
		h	سایشی، چاکنایی

پیوست (۲)

نام و مشخصات گویشورانی که با آن‌ها مصاحبه انجام گرفته است (ترتیب براساس حروف

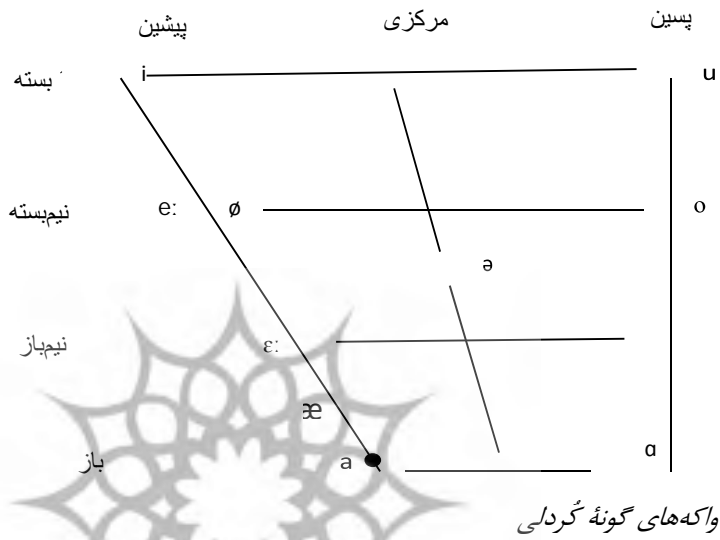
الفبا)

۱. حسن امینی پور، ۳۵ ساله، لیسانس حسابداری
۲. عسل پاریاب، ۳۲ ساله، لیسانس صنایع شیمیایی (مصاحبه مجازی)
۳. جهانبخش جاسمی، ۶۴ ساله، سواد در حد خواندن و نوشتن
۴. یوسف جاسمی، ۲۷ ساله، دیپلم
۵. سارا حسینی، ۳۰ ساله، لیسانس مترجمی زبان انگلیسی (مصاحبه مجازی)
۶. خاتون خاتونی فرد، ۷۱ ساله، بی سواد
۷. نظرعلی خدامرادی، ۶۳ ساله، سوم راهنمایی
۸. اله مسعودی تبار، ۷۵ ساله، بی سواد
۹. سرتیپ میرزایی، ۶۵ ساله، پنجم نهضت سواد آموزی
۱۰. سارا نادری، ۳۲ ساله، کاردانی کامپیوتر (مصاحبه مجازی)
۱۱. فاطمه نبوی، ۳۰ ساله، لیسانس مترجمی زبان انگلیسی (مصاحبه مجازی)
۱۲. حاجی علی بگ یوسفی، ۸۹ ساله، دو کلاس درس خوانده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوست (۳)

جدول (۱)



جدول (۲)

همخوان‌های گونه‌ی کُردلی

	دوبلی	لی- دندلی	لثوی	پس‌لثوی	لثوی کلمی	کلمی	نرم کلمی	ملازی	چاکنایی
لفجاری	p b		t d				k g	q	ʔ
سایشی		f v	s z	ʃ ʒ		ʧ dʒ	x ɣ		h
خیشومی	m		n				ŋ		
زنجی			r						
تک‌زنجی			r						
ناسوده	w					j			
نلسوده کناری			l		ɭ				



Linguistic Analysis of Kordali Variety of Kurdish Language Varieties

Tahereh Afshar
Ameneh Aminipour

Abstract

Languages have different dialects and accents due to the dispersal of speakers and their historical developments. Each language has its own three substructures of phonology, morphology and syntax. In this research, the linguistic term "variety" is used, which is a neutral term. Kordali variety belongs to the Kurdish language family. The data of this study were collected with the aim of phonological description of phonological system, morphological description of lexical system and syntactic description of grammatical system of Kordali speakers living in Dehloran city of Ilam province. This study is presented by descriptive-analytical method and the research method has been done in both library and field. Field research was conducted in the form of face-to-face interviews with 12 informants. The data were transliterated into the IPA2020 transliteration alphabet, and the phonology section was analyzed based on the Prague School of Phonetics. The morphological and syntactic analysis in this study is based on the book "The grammar of Persian language 1st". The results show that Kordali variety has 9 vowels and 28 consonants. All kinds of verbs except two-dimensional verbs and impersonal verbs, and all kinds of nouns, adjectives, pronouns, adverbs, pseudo-sentences and function words, as well as all types of declarative, interrogatives, expressive, imperative, simple and complex sentences are also found in this variety of language.

Keywords: Syllable Structure, Morphology, Phonological Processes, Kordali Variety, Syntax